

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

باب چهارم: شرکتهای سهامی

۳	فصل اول: معرفی شرکت سهامی
۳	بخش اول: تعریف شرکت سهامی
۴	بخش دوم: قانون گذاری راجع به شرکتهای سهامی در ایران
۴	مبحث اول: تاریخچه قانون گذاری راجع به شرکتهای سهامی در ایران
۵	مبحث دوم: خصایص قانون گذاری شرکتهای سهامی
۹	بخش سوم: ماهیت حقوقی شرکت سهامی
۱۱	بخش چهارم: شخصیت حقوقی شرکت سهامی
۱۱	مبحث اول: استقلال شخصیت حقوقی شرکت
۱۱	مبحث دوم: آثار شخصیت حقوقی شرکت
۱۹	فصل دوم: تشکیل شرکت سهامی
۱۹	بخش اول: تشکیل شرکت سهامی عام
۲۰	مبحث اول: تأسیس شرکت
۲۷	مبحث دوم: انجام پذیرهنویسی
۴۱	مبحث سوم: تشکیل سرمایه و تخصیص سهام
۴۴	مبحث چهارم: تشریفات نهایی تشکیل شرکت
۴۴	گفتار اول: ایجاد شرکت قبل از ثبت آن در مرجع ثبت شرکتهای
۵۵	گفتار دوم: شخصیت حقوقی شرکت بعد از ثبت آن در مرجع ثبت شرکتهای
۵۸	بخش دوم: تشکیل شرکت سهامی خاص
۵۹	مبحث اول: تأسیس شرکت
۶۰	مبحث دوم: ثبت شرکت
۶۲	بخش سوم: ضمانت اجرای عدم رعایت قواعد راجع به تشکیل شرکت

۶۳	مبحث اول: بطلان شرکت
۶۷	مبحث دوم: مسئولیتهای ناشی از عدم تشکیل صحیح شرکت
۷۲	فصل سوم: اوراق بهادار شرکت سهامی
۷۳	بخش اول: سهام
۷۳	مبحث اول: خصایص سهم
۸۳	مبحث دوم: انواع سهام
۹۳	مبحث سوم: حقوق و تعهدات ناشی از مالکیت سهام
۹۳	گفتار اول: حقوق ناشی از مالکیت سهام
۱۰۳	گفتار دوم: تعهدات ناشی از مالکیت سهام
۱۰۹	بخش دوم: اوراق مشارکت
۱۱۰	مبحث اول: معرفی اوراق مشارکت
۱۱۰	گفتار اول: مفهوم اوراق مشارکت
۱۱۲	گفتار دوم: ماهیت حقوقی اوراق مشارکت
۱۱۵	گفتار سوم: انواع اوراق مشارکت
۱۱۸	مبحث دوم: شرایط انتشار اوراق مشارکت
۱۱۸	گفتار اول: شرایط مربوط به شرکت منتشر
۱۲۳	گفتار دوم: شرایط مربوط به اوراق
۱۲۵	مبحث سوم: سازماندهی انتشار اوراق مشارکت
۱۲۵	گفتار اول: اشخاص و سازمانهای دخیل در انتشار اوراق مشارکت
۱۳۳	گفتار دوم: مکانیسم انتشار اوراق مشارکت
۱۳۵	مبحث چهارم: حقوق و امتیازات ناشی از ورقه مشارکت
۱۳۶	گفتار اول: حقوق صاحب ورقه
۱۳۸	گفتار دوم: تضمین سرمایه گذاری صاحبان ورقه مشارکت
۱۴۰	فصل چهارم: ارکان شرکت سهامی
۱۴۱	بخش اول: مجمع عمومی
۱۴۱	مبحث اول: مجمع عمومی عادی
۱۴۲	گفتار اول: صلاحیت مجمع عمومی عادی

۱۴۳	گفتار دوم: ترکیب مجمع عمومی عادی
۱۴۵	گفتار سوم: حق کسب اطلاع سهام داران
۱۴۹	گفتار چهارم: تشکیل مجمع عمومی عادی
۱۶۲	مبحث دوم: مجمع عمومی فوق العاده
۱۶۸	مبحث سوم: مجمع عمومی مختلط
۱۶۸	مبحث چهارم: مجمع خاص
۱۷۰	بخش دوم: اداره شرکت سهامی
۱۷۱	مبحث اول: هیئت مدیره
۱۷۱	گفتار اول: ترکیب هیئت مدیره
۱۷۷	گفتار دوم: شرایط عضویت در هیئت مدیره
۱۸۵	گفتار سوم: حقوق و تکالیف فردی مدیر
۱۹۱	گفتار چهارم: طرز کار هیئت مدیره
۱۹۴	گفتار پنجم: اختیارات هیئت مدیره
۲۰۱	گفتار ششم: کنترل قراردادهای مبرران با شرکت
۲۰۹	گفتار هفتم: ختم مأموریت مدیران
۲۱۴	مبحث دوم: مدیر عامل شرکت سهامی
۲۱۴	گفتار اول: وضعیت حقوقی مدیر عامل
۲۱۹	گفتار دوم: اختیارات مدیر عامل
۲۲۲	مبحث سوم: مسئولیتهای ناشی از اداره شرکت
۲۲۳	گفتار اول: مسئولیتهای مدنی مدیران و مدیر عامل
۲۳۰	گفتار دوم: مسئولیتهای کیفری مدیران و مدیر عامل
۲۳۳	بخش سوم: کنترل شرکت
۲۳۴	مبحث اول: ملاحظات کلی در مورد امر نظارت
۲۳۹	مبحث دوم: وضعیت حقوقی بازرس شرکت
۲۴۴	مبحث سوم: وظایف بازرس
۲۴۷	مبحث چهارم: حقوق و اختیارات بازرس در اجرای وظایف خود
۲۴۹	مبحث پنجم: مسئولیتهای بازرس
۲۵۲	فصل پنجم: حیات شرکت سهامی
۲۵۲	بخش اول: عملکرد و سود و زیان شرکت

۲۵۲	مبحث اول: تصویب حسابهای شرکت
۲۵۸	مبحث دوم: تخصیص سود
۲۶۲	بخش دوم: تغییر اساسنامه
۲۶۳	مبحث اول: اختیارات مجمع عمومی
۲۶۴	مبحث دوم: محدودیتهای مجمع عمومی در تغییر اساسنامه
۲۶۶	بخش سوم: تغییرات سرمایه
۲۶۷	مبحث اول: افزایش سرمایه
۲۶۷	گفتار اول: افزایش سرمایه با مراجعه به عموم
۲۸۴	گفتار دوم: افزایش سرمایه بدون مراجعه به عموم
۲۸۷	مبحث دوم: کاهش سرمایه
۲۹۱	بخش چهارم: تبدیل شرکت
۲۹۲	مبحث اول: فروش تبدیل
۲۹۵	مبحث دوم: نتایج تبدیل شرکت
۲۹۷	فصل ششم: انحلال شرکت سهامی
۲۹۷	بخش اول: علل انحلال شرکت
۲۹۷	مبحث اول: انحلال قهری
۲۹۸	مبحث دوم: انحلال به تصمیم مجمع عمومی
۲۹۹	مبحث سوم: انحلال به حکم دادگاه
۳۰۱	بخش دوم: نتایج انحلال شرکت
۳۰۲	مبحث اول: تصفیه
۳۰۲	گفتار اول: وضعیت حقوقی شرکت در حال تصفیه
۳۰۴	گفتار دوم: طرق تصفیه
۳۱۲	گفتار سوم: ختم تصفیه
۳۱۳	مبحث دوم: تقسیم دارایی شرکت
۳۱۶	کتابنامه

معرفی شرکت سهامی

شناخت درست شرکت سهامی منوط به بررسی تاریخچه و خصایص آن است که سعی می‌کنیم از طریق تعریف این شرکت، بررسی تحولات قانون‌گذاری راجع به آن، بررسی ماهیت حقوقی و نیز شخصیت حقوقی آن این مهم را به انجام رسانیم.

بخش اول: تعریف شرکت سهامی

شرکت سهامی شرکتی است که حداقل از سه نفر تشکیل و در آن سرمایه به سهام مساوی تقسیم می‌شود و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست. قانون تجارت ۱۳۱۱ تصریح کرده بود که شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل می‌شود (ماده ۲۱). در لایحه قانونی ۱۳۴۷، به تبعیت از قانون ۱۹۶۶ فرانسه، راجع به شرکتهای تجاری که در حال حاضر مواد ۱-۱۱۰L به بعد بخش قانونی قانون تجارت (code de commerce) را تشکیل می‌دهد، این ضرورت ملغی گردیده و تصریح شده است که «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود، ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد» (ماده ۲). در شرکت سهامی به صاحبان

۱. در این کتاب از این پس از code de commerce فرانسه به قانون تجارت تعبیر می‌شود که متضمن یک بخش قانونی است که مواد آن با حرف L شماره‌گذاری شده‌اند و یک بخش آیین‌نامه‌ای است که با حرف R شماره‌گذاری شده است.

سرمایه، «صاحبان سهم» یا «سهام‌دار» گفته می‌شود؛ کسانی که سهام آنان، به‌ویژه در شرکت‌های بزرگ و شرکت‌هایی که در سازمان بورس و اوراق بهادار حضور دارند، پیوسته دست به دست می‌شود؛ امری که شرکت سهامی را از شرکت با مسئولیت محدود مجزا می‌کند.^۱

شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می‌شود: شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص. شرکت‌هایی که مؤسسان آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند، «شرکت سهامی عام» و شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصرأ به وسیله مؤسسان تأمین می‌گردد، «شرکت سهامی خاص» نامیده می‌شوند (ماده ۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

بخش دوم: قانون‌گذاری راجع به شرکت‌های سهامی در ایران

پیش از آنکه به خصایص کلی قانون‌گذاری شرکت‌های سهامی در ایران پردازیم لازم است تاریخچه این قانون‌گذاری را بررسی کنیم.

مبحث اول: تاریخچه قانون‌گذاری راجع به شرکت‌های سهامی در ایران

اگرچه قسمتی از قانون تجارت مورخ ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ به مقررات راجع به شرکت‌های سهامی اختصاص یافته بود، اولین قانونی که در آن مقررات راجع به شرکت‌های سهامی به صورت نسبتاً جامعی پیش‌بینی شد قانون تجارت ۱۳۱۱ بود. مبحث اول این قانون، مواد ۲۱ لغایت ۹۳، به این نوع شرکت اختصاص داده شده بود. در این قانون از قانون‌گذاری وقت فرانسه، در مورد لزوم کسب مجوز از دولت برای تأسیس

۱. همان‌طور که در باب سوم از جلد اول کتاب نیز گفتیم در شرکت با مسئولیت محدود سرمایه به سهام تقسیم نمی‌شود و سهم‌الشرکه‌ها جز با رضایت اکثریت شرکا قابل انتقال به اشخاص دیگر نیست. این خصیصه بالطبع در تصمیم اشخاصی که قصد تجارت ندارند، بلکه می‌خواهند تنها از سود سرمایه خود استفاده کنند، اثر می‌گذارد. این افراد ترجیح می‌دهند به شرکت‌های سهامی و به‌ویژه شرکت‌های سهامی عام روی بیاورند تا بتوانند در هر زمان سهام خود را به دیگران منتقل و سرمایه خود را نقد کنند.

شرکت سهامی پیروی نشده و شرکت مزبور آزادانه قابل تأسیس تلقی و در ماده ۲۱ آن مقرر شده بود که شرکت برای امور تجارتي تشکیل می‌شود؛ امری که در مورد همه شرکتها صدق می‌کرد. در این قانون حداقل سرمایه نقدی نیز پیش‌بینی نشده بود؛ امری که موجب شد خانواده‌ها و دوستان، به جای تشکیل شرکت‌های با مسئولیت محدود، به شرکت‌های سهامی روی بیاورند و در عمل اشکالاتی ایجاد کنند. همچنین در قانون تجارت ۱۳۱۱ راجع به پذیره‌نویسی، رژیم حقوقی سهام مؤسس، و اوراق قرضه مقررات خاصی پیش‌بینی نشده بود. اشکال عمده قانون مذکور این بود که مقررات آن در مورد انواع شرکت‌های سهامی، چه بزرگ و چه کوچک، یکسان بود؛ به عبارت دیگر، شرکت سهامی چه دارای تعداد کمی سهام‌دار بود و جنبه فامیلی داشت و چه دارای صدها سهام‌دار بود، از لحاظ حقوقی سازمان متحدالشکلی داشت و همان مقررات در آن اعمال می‌شد. این امر در پی توسعه شرکت‌های سهامی در ایران موجب سوء استفاده‌هایی شد که مدت‌ها مورد بحث بود^۱ و کمیسیون‌های متعددی برای تصویب قوانین جدید تشکیل شد که سرانجام به تدوین و تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در سال ۱۳۴۷ انجامید که حقوق فعلی شرکت‌های سهامی در ایران را تشکیل می‌دهد و از آن زمان تاکنون، نه در آن تغییری ایجاد شده و نه جنبه دائمی پیدا کرده است.^۲

مبحث دوم: خصایص قانون‌گذاری شرکت‌های سهامی

لایحه قانونی ۱۳۴۷ متضمن سیصد ماده است که معادل نیمی از مواد قانون تجارت ۱۳۱۱ است. این امر نشان‌دهنده اهمیتی است که قانون‌گذار به شرکت سهامی و

۱. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۲، ص ۳.

۲. باید توجه کرد که این لایحه به استناد ماده واحد موسوم به «قانون اجازه اجرای موقت لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت پس از تصویب کمیسیون خاص مشترک مجلسین» (مصوب ۱۳۴۳/۹/۱۹) در تاریخ ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ در کمیسیون مشترک خاص مجلس شورا و مجلس سنا به تصویب رسید و به سبب عدم تصویب آن در مجلس هنوز هم جنبه «موقتی» دارد.

نقش آن در حیات اقتصادی کشور داده است. قانون‌گذار، مقررات راجع به شرکتهای سهامی را در دوازده بخش مقرر کرده است که عبارت‌اند از: تعریف و تشکیل شرکت سهامی، سهام، تبدیل سهام، اوراق قرضه، مجامع عمومی، هیئت‌مدیره، بازرسان، تغییرات در سرمایه شرکت، انحلال و تصفیه، حسابهای شرکت، مقررات جزایی، و مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی.

ویژگیهای عمده این قانون را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. قانون‌گذار در مورد تشکیل شرکت سهامی بین دو نوع شرکت تفاوت قائل شده است. برای تشکیل شرکت سهامی عام تقریباً همان مراحل تأسیس گام‌به‌گام را که در قانون تجارت ۱۳۱۱ آمده بود به صورتی پیچیده‌تر و گسترده‌تر مقرر کرده است؛ درحالی‌که مراحل تشکیل شرکت سهامی خاص بسیار ساده‌تر شده است، به حدی که مقررات قانون تجارت راجع به تشکیل شرکت با مسئولیت محدود را به یاد می‌آورد. در این لایحه نوآوری عمده در مورد تشکیل شرکت این است که قانون‌گذار حداقل سرمایه را معین کرده است که برای شرکت سهامی خاص یک میلیون ریال و برای شرکت سهامی عام ۵ میلیون ریال است (ماده ۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

۲. در مورد مدیریت شرکت، قانون‌گذار، جایگزین قدیمی را حفظ کرده و ضمن واگذاری اداره شرکت به هیئت‌مدیره و رئیس آن به طور مشترک، وظایف و تعهدات این دو نهاد را نیز تبیین کرده است.

۳. در این لایحه حقوق سهام‌داران مورد تأیید قرار گرفته و در مواردی بر آن افزوده شده است. خصیصه بارز قانون مجاز بودن دخالت بیشتر سهام‌داران در حیات شرکت، افزایش وسایل اطلاع‌رسانی به سهام‌داران و حمایت از حقوق اقلیت آنان است.

۴. حقوق اشخاصی که با شرکت معامله می‌کنند نیز به نحو قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در این مورد می‌توان به مقرراتی اشاره کرد که به موجب آنها معاملات مدیران شرکت با اشخاص ثالث به دلیل محدودیتهای مندرج در اساسنامه باطل نخواهد شد (مانند ماده ۱۱۸).

۵. نظارت بر حسابها و به طور کلی بر اداره شرکت نیز، با وضع مواد ۱۴۴ لغایت ۱۵۴ این لایحه، بیش از پیش تأمین می‌شود. تبصره ماده ۱۴۴ برای تضمین استقلال بازرسان شرکتهای پیش‌بینی کرده است: «در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام می‌کند وظایف بازرسی شرکتهای را در شرکتهای سهامی عام اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتهای درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکتهای سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیت‌دار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آیین‌نامه‌ای می‌باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود». متأسفانه، اگرچه این آیین‌نامه بعداً به تصویب رسید، تاکنون به اجرا در نیامده است.^۱

۶. قانون‌گذار برای حفظ حقوق اشخاصی که با تأسیس شرکتهای سهامی قصد دارند در تولید سرمایه‌گذاری کنند مجموعه‌ای از مقررات جزایی پیش‌بینی کرده است (مواد ۲۴۳ لغایت ۲۶۹) که در آنها جرایم راجع به شرکتهای سهامی و اوراق بهاداری که منتشر کرده‌اند معین شده است. ویژگی این مقررات این است که قانون‌گذار برای نقض مقررات مهم راجع به تشکیل و طرز کار شرکت مجازات تعیین کرده است. بررسی آرای رویه قضایی ایران نشان می‌دهد که این مقررات به‌ندرت اجرا شده است. آیا این امر نشان‌دهنده شدت مجازاتهای تعیین شده در قانون به نسبت جرایم ارتكابی است؟ یا اینکه عدم مراجعه شاکیها به دادگستری به دلیل بی‌اعتمادی آنان به مؤثر بودن این مجازاتهاست؟ به دلیل نبودن آمار دقیق امکان تحلیل این‌گونه مسائل وجود ندارد و ما نیز از آن می‌گذریم.

به هر حال، لایحه قانونی ۱۳۴۷ دارای این مزیت بارز است که در آن به صورت مفصل بعضی از عملیات راجع به حیات شرکت که در قانون تجارت ۱۳۱۱ مبهم گذاشته شده بود، تشریح شده است؛ عملیاتی مانند تغییرات در سرمایه شرکت، تبدیل شرکت، و تصفیه شرکت. مع‌ذلک، این لایحه بی‌عیب و ایراد نیست. با اینکه

۱. برای ملاحظه متن آیین‌نامه ر.ک.: روزنامه رسمی، شماره ۷۶۳۳، مورخ ۱۳۵۰/۱/۳۱.

هر کدام از این ایرادات را در جای خود مطرح خواهیم کرد، بی‌فایده نیست که در اینجا به ایرادات کلی آن اشاره کنیم:

اول اینکه قوانین مربوط به کنترل تشکیل شرکت سهامی، با همه حدت و شدتش با این ضعف قانون جدید، که برای تشکیل شرکت، ثبت آن در اداره ثبت شرکتها را ضروری تلقی نکرده است، خنثی می‌شود؛ بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار در برخی مواقع مقرراتی پیش‌بینی کرده است که در قانون ۱۹۶۶ فرانسه - که لایحه قانونی ۱۳۴۷ از آن اقتباس شده است - منطقی وجودی دارد، ولی در این لایحه قابل فهم نیست. در واقع، شرکت سهامی می‌تواند تشکیل شود بدون آنکه به ثبت برسد، اما هر کار نمی‌تواند از سرمایه شرکت استفاده کنند، مگر آنکه شرکت به ثبت رسیده باشد (مواد ۱۷ و ۲۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

دوم اینکه اگرچه حداقل سرمایه تعیین شده برای تشکیل شرکت سهامی عام از شرکت سهامی خاص بیشتر است، مقررات این لایحه به گونه‌ای تدوین شده که بدون توجه به اهمیت فعالیت شرکت، هر کار می‌تواند هر نوع شرکت سهامی را انتخاب کند؛ در حالی که در عمل معلوم شده است که مقررات پیچیده راجع به شرکت‌های سهامی عام برای فعالیتهای محدود مناسب نیست و در این گونه مواقع تصمیمات راجع به شرکت در مجمع عمومی گرفته نمی‌شود و شرکا به جای تشکیل مجمع عمومی به تدوین صورت مجلس و اخذ امضای تک‌تک شرکا بسنده می‌کنند.

سوم اینکه در اغلب کشورهای دنیا، ادغام و تجزیه شرکتها وسیله‌ای لازم و مناسب برای اجرای بعضی از سیاستهای اقتصادی است؛ در حالی که در لایحه قانونی ۱۳۴۷ به این ابزارهای حقوقی توجه چندانی نشده است.

مجموعه موارد مذکور بیانگر آن است که تحول حقوق راجع به شرکت‌های سهامی در فواصل کوتاه مدت ضروری است؛ در حالی که لایحه قانونی از سال ۱۳۴۷ تاکنون کوچک‌ترین تغییری نکرده است، و اگر تغییری نیز صورت گرفته به موجب قوانین متفرقه‌ای نظیر، قانون برنامه پنج‌ساله، قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و